

## جریان اصل برائت در احکام ارشادی با مطالعه موردی در اصالة الفساد در معاملات و شک در شرطیت و جزئیت در معاملات

سیدمهدی نریمانی زمان آبادی\*  
تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۰۶ - تاریخ تأیید: ۹۹/۰۴/۰۱

### چکیده

در مواردی که مکلف پس از جست‌وجو و دست‌نیافتن به دلیل، در تکلیف واقعی شک کند، براساس اصل برائت، به برائت ذمه مکلف از تکلیف مشکوک حکم می‌شود؛ البته اصولیان این حکم را فقط برای موارد شک در جزئیت یا شرطیت چیزی در عبادات، جاری می‌کنند؛ اما در معاملات، برخلاف عبادات، به تقدیم و حکومت اصل فساد معاملات، تمسک کرده‌اند. در این نوشتار پس از بیان دیدگاه‌های مهم در برائت شرعی و تعیین محدوده آن از لحاظ شمول نسبت به شبهات حکمی و موضوعیه، سه تفسیر مهم در حکم ارشادی با توجه به ماهیت آن تبیین شده است و از این رهگذر، اثبات می‌شود که شارع مقدس به وسیله برائت، حکم شرعی را بر نمی‌دارد، بلکه موضوع و منشأ شک را رفع می‌کند یعنی برائت را در واقع در ناحیه موضوع، نه در ناحیه حکم جاری می‌کند. برای مثال آنجا که زنی در عده ازدواج کرده مشهور اصولیان با تمسک به اصالة الفساد و اصل عدم علقه زوجیت، عقد جدید را باطل می‌دانند. اما در این نوشتار با توجه

۱۵۰ دوفصلنامه پرتو وحی / دوره ۷ / شماره ۱ و ۲ / پیاپی ۱۲ و ۱۳ / صص ۱۴۹ - ۱۶۸

به رفع موضوع عده توسط شارع، به صحت عقد جدید حکم می‌گردد، چرا که با براءت شرعی، موضوع «در عده بودن» رفع شده است و در واقع منشأ شك در حصول علقه زوجیت رفع شده است؛ البته این براءت شرعی فقط در ناحیه موضوع، جریان می‌یابد و در حکم وجوب عده، تصرفی نمی‌کند.

واژگان کلیدی: براءت شرعی؛ براءت عقلی؛ حکم ارشادی؛ اصالة الفساد؛ شك در شرطیت؛ شك در جزئیت.

### مقدمه

یکی از مباحث‌های کاربردی دانش اصول فقه، مبحث اصول عملیه است. در میان اصول عملیه نیز، اصل برائت از مسائل کاربردی آن است. در این جستار به جریان اصل برائت در احکام ارشادی اشاره می‌شود، از همین رهگذر به مطالعه موردی در اصالة الفساد در معاملات و شک در شرطیت و جزئیت معاملات پرداخته‌ایم و مطابق مبانی مطرح شده، این مسئله را مورد بررسی قرار داده‌ایم. پیش از آغاز بحث، به تبیین واژگان کلیدی و کشمکش‌های مربوط به آن‌ها می‌پردازیم:

### یکم. اصل برائت

«اصل برائت از اقسام اصول عملی است و در مواردی که مکلف پس از جست‌وجو و دست نیافتن به دلیل در تکلیف واقعی شک می‌کند، وظیفه عملی او را تعیین نموده، به برائت ذمه او از تکلیف مشکوک حکم می‌کند؛ به بیان دیگر، مراد از اصل برائت، اصلی از اصول عملی است که هنگام شک مکلف در تکلیف و دسترسی نداشتن وی به حجت شرعی انجام می‌شود و در جایگاه عمل، مکلف را موظف به انجام آن تکلیف نمی‌داند؛ برای نمونه، هنگامی که مکلف پس از جست‌وجو و دست نیافتن به دلیل، در حرمت یا حلیت کاربرد دخانیات شک می‌کند، اصل برائت را جاری نموده و به حلیت کاربرد آن حکم می‌کند؛ بنابراین هرگاه پس از جست‌وجوی دلیل و دست نیافتن به آن، در تکلیف شک شود، آن تکلیف بر دوش مکلف ثابت نمی‌ماند؛ یعنی در شبهه وجوبی، ترک آن و در شبهه تحریمی، ارتکاب آن جایز است؛ فرقی نمی‌کند که منشأ شک، فقدان نص، اجمال نص یا تعارض دو نص باشد.

نکته اول: مجرای اصل برائت، شک در تکلیف است و این شک، گاهی برآمده از شک در حکم (شبهه حکمی) و گاهی برآمده از شک در موضوع (شبهه موضوعی) است و شبهه حکمی، گاهی وجوبی و گاهی تحریمی است و منشأ شک در شبهه حکمی، گاهی فقدان نص، گاهی اجمال نص و گاهی تعارض دو نص است.

نکته دوم: قاعده برائت هنگامی به کار می‌رود که شک در تکلیف، به دلیل عدم ورود نص از سوی شارع و یا نرسیدن آن به مکلف باشد.

نکته سوم: در اینکه بحث از حکم شبهات موضوعی نیز در ضمن گفتگو از اصل براءت مطرح می‌شود یا نه اختلاف است؛ گروهی باور دارند که اصل براءت در شبهات موضوعی نیز جریان دارد. گروهی دیگر بر این باورند که بحث در شبهات موضوعی رایج نیست؛ زیرا کاربرد قاعده هنگامی است که یا بیانی از سوی شارع صادر نشده و یا بیان صادرشده به مکلف نرسیده است و در شبهات موضوعی، بیانی که وظیفه شارع بوده، وارد شده و به مکلف رسیده است؛ زیرا وظیفه شارع بیان احکام کلی است نه احکام جزئی و موضوعات خارجی؛ بنابراین گفتگو از شبهات موضوعی، خارج از دانش اصول بوده و به مناسبتی (بدون اقتضای ضرورت) از آن بحث می‌شود. کسانی که براءت را در شبهات موضوعی جاری می‌دانند، باورمندند که تمسک به براءت در شبهات حکمی، پس از جست‌وجو امکان دارد؛ ولی در شبهات موضوعی، به‌جز موارد خاص، جست‌وجو نیاز نیست.

نکته چهارم: جایگاه کشمکش اصولیان و اخباری‌ها، به‌طور خاص شبهات تحریمی حکمی است و در دیگر اقسام کشمکشی ندارند؛ بنابراین در شبهات حکمی تحریمی، اصولی‌ها به جریان براءت و اخباری‌ها به جریان احتیاط باورمند بوده و نسبت به موارد دیگر، هر دو براءتی هستند.

نکته پنجم: اگرچه گذرگاه براءت عقلی (قبیح عقاب بلا بیان) و براءت شرعی (رفع ما لایعلمون) شک در تکلیف است، ولی یک تفاوت مهم این دو در این است که «شک در تکلیف» در براءت عقلی یا برآمده از نبود نص و یا برآمده از نرسیدن نص به مکلف است.» (کاظمی، ۱۴۰۴ ق: ۳ / ۳۲۸؛ خمینی، ۱۴۱۸ ق: ۳ / ۳۲۷ و جمعی از نویسندگان، ۱۳۶۸: ۲۰۶)

نیاز به یادآوری است که براءت بر دو گونه است:

الف. براءت شرعی: حکم شارع به براءت ذمه مکلف در برابر تکلیف مشکوک، در مواردی که پس از جست‌وجوی دلیل، شک او در تکلیف واقعی از میان نرود؛ به‌بیان‌دیگر در هر نمونه مشکوکی که حکم واقعی بر مکلف ناپیدا بماند، شارع با جعل حکم ظاهری، اباحه ظاهری آورده و تکلیف را برمی‌دارد.

برای نمونه، اگر مکلف در وجوب غسل جمعه یا حرمت کاربرد دخانیات شک نماید و پس از جست‌وجو، دلیلی پیدا نکند، شارع به اباحه انجام تکلیف مشکوک (کاربرد دخانیات) و یا به

جریان اصل برائت در احکام ارشادی ... / نریمانی زمان آبادی ۱۵۳

ترک آن (وجوب غسل جمعه) حکم می‌دهد. میان علما در تبیین مراد از «برائت شرعی» که از حدیث رفع استفاده می‌شود، چند دیدگاه مطرح است که عبارت‌اند از:

۱. شارع مکلفان را نسبت به ارتکاب موارد یادشده در حدیث، بازخواست نمی‌کند.<sup>۱</sup>

۲. در بیشتر موارد، منظور از رفع، برداشته شدن بازخواست و عقاب است؛ ولی در برخی مانند «طیره» و «حسد» رفع نهی و رفع تأثیر منظور بوده است.<sup>۲</sup>

۳. موارد کاربرد «خطا» و «نسیان» و «اکراه» به آن معناست که گناهی مرتفع است ولی در «ما لا یطیقون» حکم تکلیفی آن اعم از استحباب و وجوب برداشته می‌شود؛ همانا این رفع به‌عنوان قاعده‌ای فراگیر است که در برخی از موارد به‌وسیله روایات اهل بیت (ع) تخصیص خورده است.<sup>۳</sup>

۴. منظور رفع حکم شرعی است و به آن معناست که فعل مکلفی که در هنگام ارتکاب آن فعل چنین حالات و شرایطی را داشته، حکم شرعی ندارد؛ مگر مواردی که در روایات دیگر اهل بیت (ع) تخصیص خورده است.<sup>۴</sup>

۵. شارع مقدس «جميع الآثار» را برداشته است؛ خواه بازخواست یا هر اثر دیگری که نسبت به موارد یادشده در حدیث رفع، ممکن است، تصور شود.<sup>۵</sup>

۶. مقصود، نفی وجود خارجی این موارد نه‌گانه است. در واقع، نفی تنزیلی بوده است؛ بدان معنا که اگر کسی به‌اشتباه نجاستی را تناول نمود، شارع آن را به حساب نمی‌آورد؛ یعنی انگارانه‌انگار که چنین عملی در عالم خارج محقق شده است. از این روی، حرمت و تنبیه و عقابی هم بر آن مترتب نمی‌شود.<sup>۶</sup>

۱. نک: جزائری، ۱۴۱۷ ق: ۲ / ۲۷۶؛ بحرانی، ۱۴۱۳ ق: ۹ / ۳۳ و ایروانی، ۱۴۲۴ ق: ۳ / ۹۸-۱۱۰.

۲. نک: مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۵ / ۳۰۳، ح ۱۴.

۳. نک: مازندرانی، ۱۴۲۱ ق: ۱۰ / ۲۲۳، ح ۱.

۴. نک: ابن ابی‌جمهور الأحمسانی، ۱۴۰۳ ق: ۱ / ۲۳۲ و ایروانی، ۱۴۲۴ ق: ۳ / ۹۸-۱۱۰.

۵. نک: حسینی بهسودی، ۱۴۱۱ ق: ۲ / ۲۶۵.

۶. نک: محمدباقر ایروانی، ۱۴۲۴ ق: ۳ / ۹۸-۱۱۰.

۷. مقصود آن است که این موارد نه گانه در عالم تشریح وجود ندارد. در واقع این حدیث درصدد آن است که بگوید، خطا و نسیان و ... در عالم تشریح، موضوع حکم یا وابسته حکم واقع نشده‌اند.<sup>۱</sup>

یکی دیگر از مواضع ناسازگاری علما در زمینه براءت شرعی برآمده از حدیث رفع، این است که گستردگی این قاعده تا کجاست، آیا همه شبهات حکمیة و موضوعیه را دربر می‌گیرد یا خیر؟ در این بحث سه گفتار وجود دارد که عبارت‌اند از:

۱. حدیث تنها شامل شبهات موضوعیه می‌شود؛ به این دلیل که در حدیث شریف برای رعایت وحدت سیاق میان موصولات، باید این گفتار را پذیرفت؛ چراکه «ما» در «ما اضطرروا الیه» و «ما اکرهوا علیه» موضوعات خارجی است نه خود تکلیف. پس در «ما لا یعلمون» نیز می‌بایست، منظور همان موضوعات خارجی باشد و در واقع تنها شبهات موضوعیه را دربر می‌گیرد.

۲. حدیث تنها شامل شبهات حکمیة می‌شود؛ چراکه ظاهر «ما لا یعلمون» آن است که نفس ما به جای اسم موصول غیر معلوم است و این شامل شبهه‌ی حکمیة می‌شود و ممکن نیست که دربرگیرنده شبهات موضوعیه هم بشود؛ چراکه در مورد یادشده، شیء خارجی آشکار و معین است و فقط حکمش نامعلوم است. همچنین نمی‌توانید بگویید منظور از «ما» موصول خود شیء خارجی است؛ چراکه در این صورت دچار اسناد مجازی شده‌اید.

۳. حدیث دارای شبهات موضوعیه و شبهات حکمیة می‌شود، باورمندان به این دیدگاه چنین می‌گویند: ما از اطلاق «ما» موصوله که هر دو شبهه را در بر می‌گیرد، استفاده می‌کنیم؛ همانا برای اینکه شامل هر دو گونه شبهه شود، باید قدر جامعی تصور کنیم که دچار کاربرد بیشتر از معنای واحد نشویم.<sup>۲</sup>

ب. براءت عقلی: در مواردی که پس از جست‌وجوی دلیل، شک مکلف نسبت به تکلیف واقعی از میان نرود، حکم (ادراک) عقل به براءت ذمه مکلف، نسبت به تکلیف مشکوک است. به بیان دیگر، براءت عقلی به معنای حکم عقل به براءت مکلف، نسبت به انجام مشکوک‌الحرمه

۱. نک: منتظری، ۱۴۱۵ ق: ۵۸۴.

۲. نک: ایروانی، ۱۴۲۴ ق: ۳ / ۹۸-۱۱۰.

جریان اصل براءت در احکام ارشادی ... / نریمانی زمان آبادی ۱۵۵

و ترک مشکوک الوجوب - پس از جست و جو و دست نیافتن به دلیل - است و لازمه آن عدم مؤاخذه مکلف - بر پایه قاعده عقلی قبح عقاب بلا بیان - است.

معنای قاعده عقلی «قبح عقاب بلا بیان» این است که کیفر کردن کسی که بیانی به وی نرسیده، در نزد عقل زشت و ناپسند است؛ بنابراین هرگاه در موردی، از سوی شارع الزامی نرسد، قاعده قبح عقاب بلا بیان، آن الزام احتمالی را برمی دارد و سرانجام، بازخواست آن نیز برداشته می شود؛ زیرا در این صورت عقاب آن قبیح است. به بیان دیگر، براءت عقلایی عبارت است از بنای عقلا بر براءت ذمه مکلف، نسبت به تکلیف مشکوک، در مواردی که پس از جست و جوی دلیل، شک او نسبت به تکلیف واقعی از میان نرود.

نکته: برخی مدعی اند، گذرگاه این دو گونه براءت با یکدیگر متفاوت است و در جایگاه بیان این تفاوت، سه مورد را بیان کرده اند؛ این در حالی است که گروهی دیگر بر این باورند که براءت شرعی نیز همان ارشاد به حکم عقل است.<sup>۱</sup>

## دوم. حکم ارشادی

در میان اصولیان چند تعریف برای حکم ارشادی مطرح است که در ادامه به آن‌ها اشاره می شود:

۱. آنجا که عقل دارای حکم استقلالی است، حکم صادرشده از شارع در آن مورد ارشادی خواهد بود؛ مانند قبح ظلم؛<sup>۲</sup>

۲. هر جا که صدور حکم مولوی سزاوار لغو گردد، حکم صادرشده در آن مورد ارشادی است.<sup>۳</sup>

۳. حکمی که با قرار دادن حکم مولوی بر آن، نیازمند محذور عقلی همچون دور و تسلسل شود، ارشادی است؛ مانند اوامر اطاعت (اطیعوا الله و اطیعوا الرسول) که مولوی بودن آن مستلزم اطاعتی دیگر و در نتیجه، لزوم تسلسل است.<sup>۴</sup>

1. Available at: <http://eshia.ir/feqh/archive/text/mazaheri/osoool>.

۲. نک: مشکینی، ۱۴۱۳ق: ۷۵ و ۷۶.

۳. نک: مشکینی، ۱۴۱۳ق: ۷۵ و ۷۶.

۴. نک: مشکینی، ۱۴۱۳ق: ۷۵ و ۷۶.

در تبیین ماهیت حکم ارشادی نیز اصولیان دچار اختلاف شده‌اند:

۱. حکم ارشادی برای برانگیختن مکلف به سوی فعل مأمور به یا ترک منهی عنه، صادر نشده است؛ بلکه از سوی شارع مقدس، صرفاً به انگیزه ارشاد و هدایت او به مصلحت موجود در مأمور به یا مفسده موجود در منهی عنه صادر می‌گردد؛ مانند اوامر و نواهی پزشک نسبت به بیمار؛<sup>۱</sup> بنابراین حیث صدور حکم از سوی شارع نه حیث مولا بودن، بلکه حیث ناصح و مرشد بودن او است؛ از این رو برخی حقیقت حکم ارشادی را اخبار از منفعت در مأمور به و زیان موجود در منهی عنه دانسته‌اند نه انشاء طلب، در نتیجه امر و نهی ارشادی را امر و نهی صوری بر شمرده‌اند.<sup>۲</sup>

۲. اوامر و نواهی ارشادی همچون اوامر و نواهی مولوی، امر و نهی حقیقی (انشاء طلب نه صرف اخبار) است؛ با این تفاوت که در اوامر و نواهی ارشادی، انشای طلب به انگیزه تحریک و برانگیختن بر فعل یا ترک آن صورت نمی‌گیرد؛ بلکه به انگیزه بیان اینکه مصلحت یا مفسده موجود در متعلق امر یا نهی، به اندازه‌ای است که مکلف چاره‌ای جز عمل به آنچه امر شده یا ترک آنچه نهی شده ندارد.<sup>۳</sup>

درباره حکم ارشادی آگاهی به این نکته نیاز است که بر موافقت و مخالفت حکم ارشادی ثواب و عقابی مترتب نمی‌گردد و حکم ارشادی از این جهت پیرو متعلق خود است؛ بدین معنا که در صورت ثبوت متعلق در واقع و امثال مکلف، خاصیت و نفع آن و در صورت مخالفت، زیان و مفسده آن به او می‌رسد و اگر متعلق در واقع ثابت نباشد، چیزی بر امثال یا مخالفت مترتب نمی‌شود. برخلاف امر و نهی مولوی مانند امر به نماز که بر امثال آن، افزون بر درک مصلحت، ثواب اطاعت امر یا نهی و بر مخالفت، افزون بر فوت مصلحت آن، عقاب مخالفت امر یا نهی نیز مترتب می‌شود.<sup>۴</sup>

۱. نک: حسینی فیروزآبادی، ۱۴۰۰ ق: ۴/۸۴-۸۵.

۲. نک: فیاض، ۱۴۱۹ ق: ۴/۱۷۳.

۳. نک: حکیم، ۱۴۱۶ ق: ۵/۲۶۶.

۴. نک: شیخ انصاری، ۱۴۱۹ ق: ۲/۱۵۱ و مشکینی، ۱۴۱۳ ق: ۷۵.



جریان اصل برائت در احکام ارشادی ... / نریمانی زمان آبادی ۱۵۷

### سوم. اصالة الفساد در معاملات<sup>۱</sup>

مفاد قاعده: «درجایی که شک کنیم معامله‌ای منعقد شده است یا خیر، باید به فساد آن معامله حکم کرد.» (آخوند خراسانی، ۱۴۰۶ ق: ۳۳) این شک به سبب احتمال عدم تحقق برخی شرایط لازم در بیع است.<sup>۲</sup>

مدرک قاعده: در اثبات این قاعده می‌توان چند دلیل آورد:

نخست: آیه «یا ایها الذین آمنوا لا تأکلوا أموالکم بینکم بالباطل إلا أن تكون تجارة عن تراض مینکم؛ ای مؤمنان! مال‌های خود را در میان خودتان با وسیله نامشروع نخورید؛ مگر آن که با داد و ستد کردن از روی رضایت کسب درآورید.» (نساء، ۲۹) که دارای دو بخش است؛ بخش نخست مستثنی‌منه و عام و بخش دوم، مستثنی و خاص. با توجه به اینکه خروج شیء از عمومیت عام و دخول آن در خاص، نیازمند دلیل قطعی است؛ بنابراین تا هنگامی که به یقین، خاص تحقق نپذیرد، عام به عمومیت خود باقی است و شیء مشکوک داخل در عام می‌ماند.<sup>۳</sup>

دوم: اصالت عدم ترتب اثر بدون عقد صحیح نیز می‌تواند دلیلی بر قاعده یادشده باشد.<sup>۴</sup>

سوم: استصحاب عدم تحقق عقد نیز می‌تواند دلیل دیگری بر قاعده «اصالت فساد معاملات» به شمار رود.<sup>۵</sup>

### چهارم. شک در جزئیت و شرطیت

شک در جزئیت و شرطیت، از مصادیق اقل و اکثر ارتباطی به شمار می‌رود. شک در جزئیت در جایی است که در جزء بودن چیزی برای مأمور به، شک وجود داشته باشد، مثل اینکه گمان شود نماز نه جزء یقینی و مسلم دارد و درباره جزء دهم شک وجود دارد که آیا سوره نیز از اجزای نماز است یا نه؛ در این صورت اگر سوره از اجزای نماز باشد و مکلف، به عمد در انجام آن

۱. نک: میرزا قمی، ۱۴۱۳ ق: ۲/ ۴۱، سؤال ۳۸؛ آشتیانی، ۱۴۰۳ ق: ۴/ ۸۱؛ منتظری، ۱۴۱۵ ق: ۱/ ۱۸۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۰: ۱/ ۱۴۵؛ مصطفوی، ۱۴۱۷ ق: ۴۶ و سیفی مازندرانی، ۱۴۲۵ ق: ۷۶.

۲. نک: حسینی بهسودی، ۱۴۱۸ ق: ۲/ ۲۷۱.

۳. نک: مصطفوی، ۱۴۱۷ ق: ۴۶.

۴. نک: نجفی، ۱۳۶۵: ۲۳/ ۳۴۰ و خوبی، ۱۳۶۸: ۱/ ۳۹۴.

۵. نک: نجفی، ۱۳۶۵: ۲۳/ ۳۴۰ و خوبی، ۱۳۶۸: ۱/ ۳۹۴.

کوتاهی کند، مأمور به (نماز) اصلاً تحقق پیدا نمی‌کند؛ زیرا اجزای نماز به یکدیگر پیوسته‌اند و این چنین نیست که اگر جزئی به جا آورده شود، به همان اندازه مأمور به در خارج تحقق پیدا کند.

شک در شرطیت، در جایی است که در شرط بودن چیزی برای مأمور به تردید شود؛ یعنی شک وجود دارد که آیا مأمور به مشروط به شرطی است یا نه؛ برای نمونه حاجی روز عید قربان باید حیوانی را به عنوان قربانی ذبح کند؛ ولی در اینکه قربانی باید سن خاصی داشته باشد یا نه تردید وجود دارد یا این که مکلف شک دارد مأمور به «مطلق رقبه» است یا «رقبه مؤمنه» یا شک دارد طهارت لباس برای نماز شرطیت دارد یا نه.

نکته: تفاوت میان جزء و شرط در آن است که امر متعلق به کل، به تعداد اجزا منحل شده و به تک تک اجزا تعلق می‌گیرد؛ ولی در شرط این چنین نیست، یعنی امر به مشروط، امر به نفس شرط نیست. به بیان دیگر، جزء داخل در ماهیت کل است؛ ولی شرط داخل در ماهیت مشروط نیست و تنها تقید به شرط داخل در ماهیت مشروط است.<sup>۱</sup>

### پنجم. معاملات

با توجه به تقسیم‌بندی‌های متفاوتی که فقیهان از دیرباز تاکنون برای دسته‌بندی احکام ارائه کرده‌اند،<sup>۲</sup> واژه معاملات دارای سه معناست:

۱. نک: آخوندخراسانی، ۱۴۰۶ ق: ۱۸۵.

۲. ابوالصلاح حلبی در کتاب «الکافی»، ابواب فقهی را به عبادات، محرمات و احکام، این براج در کتاب «المهذب» به احکام مورد ابتلاهی همگان و غیر آن و سألر در کتاب «المراسم»، به عبادات و معاملات و معاملات را به عقود و احکام تقسیم کرده‌اند. محقق حلّی با الهام گرفتن از روش سألر، ابواب فقهی را در کتاب «شرایع» ذیل عبادات، عقود، ایقاعات و احکام گرد آورده که مورد استقبال فقیهان پس از وی قرار گرفته است. علامه حلّی در «الإرشاد» و شهید اول در «القواعد و الفوائد» در توجیه این تقسیم‌بندی نوشته‌اند: مباحث فقهی یا درباره امور اخروی است یا امور دنیوی؛ دسته نخست، عبادات است، مانند صلوات و صوم. دسته دوم یا به لفظ و عبارت نیازمند است یا نیست؛ مباحثی که به عبارت نیاز ندارد، احکام است؛ مانند دیات و قصاص. مباحثی که نیازمند عبارت است یا با دو طرف منعقد می‌گردد یا با یک طرف؛ دسته اول عقود است؛ مانند بیع، اجاره و نکاح و دسته دوم ایقاعات است؛ مانند طلاق و عتق. فیض کاشانی در کتاب «مفاتیح الشرایع»، مباحث و ابواب فقهی را به دو بخش «فن عبادات و سیاسات» و «فن عادات و معاملات» تقسیم کرده است. سرانجام، برخی فقیهان معاصر با نقد تقسیم‌بندی جاری، یعنی تقسیم‌بندی محقق در شرایع، تقسیم‌بندی‌های جدیدی ارائه کرده‌اند؛ برای نمونه شهید سیدمحمدباقر صدر در کتاب «الفتاوی الواضحه» ابواب فقهی را در چهار بخش عبادات، اموال، سلوک و رفتار شخصی و آداب عمومی آورده است. وی اموال را به اموال خصوصی و اموال عمومی و سلوک و رفتار شخصی را به روابط خانوادگی و روابط اجتماعی تقسیم کرده است. نک: مدرسی، ۱۳۶۸: ۲۰-۲۵.

جریان اصل برائت در احکام ارشادی ... / نریمانی زمان آبادی ۱۵۹

معاملات بالمعنی الأعم: چیزی که صحتش متوقف بر انجام آن به داعی قربت نباشد. در واقع، این تعریف دربرگیرنده همه احکام فقهی غیرعبادی می‌شود؛ مانند عقود، ایقاعات، دیات، قضاوت.

معاملات بالمعنی الخاص: چیزی که تحققش بر انشاء از یک طرف متوقف باشد که دربرگیرنده عقود و ایقاعات می‌گردد.

معاملات بالمعنی الأخص: چیزی که تحققش بر انشاء دو طرف متوقف باشد که تنها در برگیرنده عقود می‌گردد.

رابطه منطقی این سه تعریف به خوبی روشن است. رابطه «معاملات بالمعنی الأعم» با «معاملات بالمعنی الخاص» و «معاملات بالمعنی الأخص» عموم و خصوص مطلق است؛ زیرا معاملات بالمعنی الأعم دربرگیرنده همه عقود و ایقاعات می‌گردد و ابواب دیگری که نیاز به انشاء ندارد را نیز دربر می‌گیرد، ابوابی مانند قصاص، دیات، قضاوت و سیاسات.<sup>۱</sup>

در این نوشتار مراد از «معاملات»، همان اصطلاح دوم است؛ یعنی معاملات بالمعنی الخاص که دربرگیرنده عقود و ایقاعات می‌شود.

باید توجه داشت که شرط و جزء بر دو گونه است:

الف. عرفی: آن دسته از شرایط و اجزائی هستند که اگر شرع هم نمی‌گفت، عرف حاکم بر آن‌ها بود و در صورت فقدان آن‌ها، عرف عمل انجام‌شده را بیع نمی‌داند؛ همانند ممیز بودن متعاقدين و مالیت داشتن عوضین.

ب. شرعی: آن دسته از شروط هستند که با نبود آن‌ها عرف بیع را محقق می‌داند؛ ولی شرع عمل انجام‌شده را معتبر نمی‌داند؛ مانند مبیع نبودن خمر، عربیت، ماضویت و تقدم ایجاب بر قبول.<sup>۲</sup> نیاز به یادآوری است که شرایط عقد نوعاً شرعی‌اند و اجزاء عقد اکثراً عرفی‌اند.

۱. نک: مامقانی، ۱۳۱۶ ق: ۲/۳۴۲؛ نجفی، ۱۳۵۹ ق: ۲ (قسم ۱)/۶؛ رشتی، ۱۴۰۱ ق: ۱/۴۹؛ نائینی، ۱۴۱۳ ق: ۱/۸۱؛ خوبی، ۱۴۱۷ ق: ۴۵؛ حسینی بهسودی، ۱۴۱۱ ق: ۳/۲۶۸؛ نجفی، ۱۳۸۰ ق: ۴؛ آشتیانی، ۱۴۲۵ ق: ۱۰۶ و ۲۵۶؛ آشتیانی، ۱۴۰۳ ق: ۳/۲۱۳ و آشتیانی، ۱۴۲۵ ق: ۱/۱۷۰.

۲. نک: مصطفوی، ۱۴۱۷: ۴۶.

### ششم. شبهه حکمیة و موضوعیة

اصولیان و فقها این دو اصطلاح<sup>۱</sup> را که از زمان فرزند وحید بهبهانی تأسیس شده است، این گونه تبیین می‌کنند:

شبهه حکمیة: درجایی که حکم کلی چیزی مورد تردید باشد. جهل به حکم کلی، یا برآمده از فقدان نص معتبر است یا اجمال نص و یا تعارض نصوص؛ برای نمونه به علت فقدان نص معتبر در ممنوعیت عملی - مانند استعمال دخانیات - تردید می‌شود. در این مورد شبهه حکمیة است؛ یعنی به راستی نمی‌دانیم که آیا حکم این عمل نزد شارع حرمت است یا جواز و اباحه.

شبهات موضوعیة: شخص حرمت و ممنوعیت عمل را می‌داند، ولی جهل به موضوع حکم دارد؛ برای نمونه می‌داند که نوشیدن خمر حرام است، ولی نمی‌داند که این مایع درون لیوان، از مصادیق خمر است یا آب‌آلبالو. در حقیقت، در اینجا به علت اشتباه خارجی، تردید به وجود آمده است.<sup>۲</sup>

### بررسی جریان اصل برائت در احکام ارشادی

اگرچه علما در عبادات، برائت را جاری می‌دانند؛<sup>۳</sup> ولی در معاملات که مصداقی از احکام ارشادی است، چنین دیدگاهی ندارند و چه بسا بیشتر به اصل فساد حکم کرده‌اند.<sup>۴</sup>

در ادامه با توجه به سخنان بی‌شماری که پیش از این، در تبیین واژگان کلیدی مطرح شد، جریان برائت شرعی در احکام ارشادی را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم.

الف. جریان برائت شرعی: با توجه به مبانی گوناگون در این مسئله، جریان اصل برائت در احکام ارشادی نیز متفاوت می‌شود. از این روی، در ادامه جریان اصل برائت در احکام ارشادی را بنا بر هر دیدگاه، به صورت جدا از هم مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱. نک: امامی، بی‌تا: ۶ / ۲۶۰.

۲. نک: بهبهانی، ۱۴۱۵ ق: ۵۸.

۳. نک: شیخ انصاری، ۱۴۱۹ ق: ۲ / ۴۷۱؛ آخوند خراسانی، ۱۴۰۶ ق: ۴۱۶ و ایروانی، ۱۴۲۴ ق: ۳ / ۴۴۵.

۴. نک: مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ ق: ۱ / ۸۸ و موسوی خلیفائی، ۱۴۲۲ ق: ۴۵۸.

جریان اصل برائت در احکام ارشادی ... / نریمانی زمان آبادی ۱۶۱

۱. رفع مؤاخذه: مطابق این نظریه، نمی‌توان اصل برائت شرعی را در احکام ارشادی جاری کرد؛ زیرا برائت شرعی مطابق این نظریه به دنبال رفع عقاب و مؤاخذه است، حال آنکه موافقت و مخالفت با حکم ارشادی ثواب یا عقاب ندارد.

۲. در بیشتر موارد رفع مؤاخذه است و در «طیره» و «حسد» رفع نهی و رفع تأثیر. در اینجا نیز به همان دلیلی که در نظریه پیشین مطرح شد، نمی‌توان اصل برائت شرعی را در احکام ارشادی جاری کرد.

۳. در «خطاء» و «نسیان» و «اکراه» رفع گناه و در «ما لا یطیقون» رفع حکم تکلیفی. پیروان این دیدگاه نیز در احکام ارشادی، نمی‌توانند برائت شرعی جاری کنند.

۴. رفع حکم شرعی: پیروان این دیدگاه می‌توانند درباره جریان اصل برائت شرعی در احکام ارشادی سخن به میان بیاورند؛ زیرا حکم ارشادی نیز جزو احکام شرعی است و می‌توان با استناد به فقره «ما لا یعلمون»، اصل برائت را در احکام ارشادی نیز جاری دانست.

۵. رفع جمیع الآثار: از آنجایی که پیروان این نظریه بر این باورند که همه آثار فعل، از سوی شارع برداشته می‌شود، می‌توان با استناد به فقره «ما لا یعلمون»، در احکام ارشادی نیز برائت شرعی را جاری کرد. چنان‌که آیت‌الله شبیری در این مورد می‌نویسد:

شارع مقدس به وسیله برائت حکم را بر نمی‌دارد؛ بلکه موضوع را رفع می‌کند و یک مرتبه می‌گوید: این حلال است، اگر شك داری که علقه حاصل است من می‌گویم علقه حاصل است و حلیت وضعی دارد. شما می‌توانید بگویید: استصحاب عدم حصول علقه زوجیت حاکم بر برائت است و جلو جریان برائت را می‌گیرد؛ ولی از این روایت استفاده می‌شود که شارع مقدس منشأ شك در حصول علقه را برمی‌دارد و برائت را در ناحیه موضوع و نه در ناحیه حکم جاری می‌کند. مرد شك دارد که این زن خواهر رضاعی اوست یا نه. کل شیء لك حلال گوید: این موضوع را تشریحاً خواهر رضاعی شما حساب نمی‌کنم و وقتی خواهر رضاعی نشد، شك در اینکه علقه زوجیت حاصل شده است یا نه، چون مسبب از این شك است برداشته می‌شود و وقتی شارع موضوع را ادعاءً نفی کرد، این اصل موضوعی بر آن استصحاب حکمی (استصحاب عدم علقه زوجیت) حکومت پیدا می‌کند. (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹ ق: ۱۷ / ۵۶۷۲)

۶. نفی وجود خارجی: در صورتی که این نظریه را بپذیریم، برائت شرعی از محل بحث، یعنی احکام ارشادی بیگانه است و ربطی به اینجا پیدا نمی‌کند.

۷. عدم تعلق حکم شرعی: مطابق این تقریر از برائت شرعی، باید ادعا کرد برائت شرعی در احکام ارشادی جاری است؛ زیرا احکام ارشادی نیز جزء احکامی شرعی به شمار می‌رود که در صورت عدم علم نسبت به آن، شارع می‌گوید حکم شرعی به آن تعلق نگرفته است.

ب. جریان برائت عقلی: مهم‌ترین اشکال این مسئله آن است که با توجه به مباحث گذشته، در احکام ارشادی بحث از ثواب و عقاب مطرح نیست تا قاعده «قبیح عقاب بلا بیان» شامل آن بشود.

#### اصالة الفساد در معاملات و شک در شرطیت و جزئیت معاملات

پس از تبیین مسئله، در اینجا به بررسی اقوال فقیهان و اصولیان در زمینه اصل برائت در شک در شرطیت و جزئیت معاملات که یکی از مصادیق احکام ارشادی است، می‌پردازیم. در واقع، بررسی می‌کنیم علما در شک در شرطیت و جزئیت معاملات، برائت جاری می‌کنند یا اصل فساد؟

آیت‌الله مکارم شیرازی چنین می‌گوید: «[اگر در جزئیت و شرطیت شک شود] اصالة الفساد در معاملات حاکم است و در عبادات اصل برائت [حاکم] است.» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ ق: ۱ / ۸۸)

آیت‌الله موسوی خلخالی در این زمینه می‌نویسد:

صحت و فساد در عبادات، برآمده از تعلق امر و عدم تعلق آن است و چون اصل برائت از تعلق آن به جزء مشکوک جاری است و تعلق آن به غیر این جزء قطعی است، پس فاقد جزء صحیح خواهد بود. همچنین در معاملات برآمده از اعتبار و امضای شرعی است و چون در صورت عدم تحقق همه اجزا و شرایط در معامله (عقد و ایقاع) امضای شرع مشکوک است، اصل عدم تحقق آن است. (موسوی خلخالی، ۱۴۲۲ ق: ۴۵۸)

در این بین، آیت‌الله شبیری زنجانی این نظریه را به چالش می‌کشد، ایشان به صورت گسترده، اقوال مختلف قدما و متأخران را به شرح ذیل بررسی می‌کند:

اگر زن در عده با مردی ازدواج کرد، آیا علقه زوجیت به وسیله ازدواج حاصل می‌شود یا نه؟ و این مطلبی است که فقها در مشابهاش قائل به اصالة الفساد هستند. اگر زن شك

جریان اصل برائت در احکام ارشادی ... / نریمانی زمان آبادی ۱۶۳

دارد که ازدواج او حرام است یا نه می‌تواند ازدواج کند و با اصل برائت نفی تکلیف کند؛ ولی با اصل برائت نمی‌توان حکم به صحت عقد او کرد چون مقتضای اصل برائت، صحت عقد نیست؛ بلکه باید استصحاب عدم حصول علقه زوجیت را جاری کرد! این گفتار کم‌وبیش در کلمات فقها مطرح است. (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹ ق: ۱۷ / ۵۶۶۹)

وی پس از بیان این مطالب، به نقد این نظریه می‌پردازد:

ما در این بیان شبهاتی داریم. استصحاب عدم حصول علقه زوجیت چنانچه جاری است که اصل موضوعی حاکم نداشته باشیم. منشأ شك در اینکه علقه زوجیت حاصل شده است یا نه، این است که این زن در عده است یا نه؟ اگر اصلی ثابت کرد که زن در عده نیست این اصل به آن استصحاب عدم حصول علقه زوجیت حکومت پیدا می‌کند و مقدم می‌شود؛ اگرچه گروهی ممکن است يك بحث خاصی داشته باشد، لکن ما کبرای کلی مسئله را بررسی می‌کنیم.

درباره حدیث رفع و حدیث حجب برخی قائل به رفع عموم آثار [اعم از احکام تکلیفی و وضعی] هستند (حسینی بهسودی، ۱۴۱۱ ق: ۲ / ۲۶۵) و هر چه مشکوک است را مرفوع می‌دانند. طبق این مبنا اگر چیزی مشکوک بود، شارع مقدس ادعاء می‌فرماید: «چنین موضوعی نیست. زن نمی‌داند در عده است تا صحت عقد ممنوع باشد و یا در عده نیست.» «رفع ما لا یعلمون» می‌گوید: «شما نمی‌دانید که در عده است یا نه، در عده بودن در عالم تشریح مرتفع است؛ یعنی شارع در مقام ظاهر به این شبهه ترتیب اثر نمی‌دهد و زن را معتده حساب نمی‌کند، اینجا اصل موضوعی بر استصحاب عدم حصول علقه زوجیت، مقدم است.» (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹ ق: ۱۷ / ۵۶۷۰)

سپس یکی از روایاتی را مطرح می‌کند که حضرت خلاف نظریه مشهور عمل کرده است و فقیهان برای توجیه آن به مشکل برخورده‌اند:

حدیث مشهور مسعدة بن صدقه که در همه کتاب‌ها نقل شده و فقها درباره چگونگی تفسیر آن به مشکل برخورده‌اند. شخصی است که نمی‌داند آیا عبد است یا حرّ و در بازار او را در معرض فروش قرار داده‌اند. در این روایت می‌فرماید: خریدن او مانعی

ندارد، با آنکه نمونه‌هایی که در روایت آورده شده با قانون برائت و استصحاب عدم اثر که این فقها قائل‌اند سازگار نیست. در این نمونه‌ها، اصل حاکم موافق با برائت وجود دارد و امام (ره) به برائت تمسک جست‌اند و به اصل حاکم استناد نکرده‌اند. با آنکه با وجود اصل حاکم چه موافق با برائت و چه مخالف با آن، طبق مسلك این فقها نوبت به برائت نمی‌رسد. (شبییری زنجانی، ۱۴۱۹ ق: ۱۷ / ۵۶۷۱)

ایشان در ادامه برای توضیح بیشتر نظریه، در مقام پاسخ به پرسشی برمی‌آیند تا ابعاد دیدگاهشان بهتر روشن شود:

« [اشکال پیش نیاید که] با بودن اصل مخالف مثل استصحاب عدم حصول علقه زوجیت، [چرا] حضرت به اصل برائت و «کل شیء لك حلال» تمسک کرده‌اند؛ زیرا می‌گوییم: شارع مقدس به وسیله برائت، حکم را بر نمی‌دارد، بلکه موضوع را رفع می‌کند و یک مرتبه می‌گوید: این حلال است، اگر شك داری که علقه حاصل است من می‌گویم علقه حاصل است و حلیت وضعی دارد.» (شبییری زنجانی، ۱۴۱۹ ق: ۱۷ / ۵۶۷۳)

برای فهم بهتر این مبنا و ثمرات این دو قول، شایسته است به دو فرع فقهی مورد ابتلا در ازدواج اشاره کرد.

مثال اول: احمد و فاطمه با هم ازدواج کرده‌اند؛ اما با توجه به اینکه مادر احمد، به دختر عمه‌اش فاطمه شیر داده است ولی تعداد شیردهی و روزهای شیردهی مشخص نیست، امکان دارد آن دو با هم خواهر و برادر رضاعی بوده‌اند و عقد آنها باطل باشد؛ در این فرع فقهی برخی اصولیان با توجه به برائت شرعی، به «رفع موضوع تحقق رضاعی» حکم کرده‌اند و عقد نکاح را صحیح می‌شمارند یعنی ادله برائت شرعی به صورت ادعایی، موضوع مشکوک را در حکم عدم می‌شمارند و دیگر منشأ شك را از بین می‌برند؛ در حالی که مشهور اصولیان با توجه به اینکه احتمال دارد موضوع رضاع، محقق گردیده باشد، عدم تحقق زوجیت - که استصحاب عدمی است - را استصحاب می‌کنند و عقد را باطل می‌دانند.

مثال دوم: زهره در سن سی سالگی رحمش را برداشته است و پس از آن در همان سال، از همسر سابقش رحیم طلاق می‌گیرد؛ بلافاصله پس از این طلاق و بدون اینکه ایام عده را بگذرانند، با اصغر ازدواج می‌کند؛ حالا پس از عقد با اصغر شك می‌کنیم که زهره با توجه به



جریان اصل برائت در احکام ارشادی ... / نریمانی زمان آبادی ۱۶۵

اینکه رحم ندارد، آیا باید عده نگه‌دارد یا در حکم زنان یائسه است و نیازی به عده ندارد. شارع مقدس با برائت شرعی، ادعاً به رفع موضوع «صاحب رحم» حکم می‌کند؛ لذا می‌توان به صحت این عقد حکم کرد و جلوی جریان استصحاب عدم حصول علقه زوجیت (اصل حکمی) را می‌گیرد و این عقد باعث حرمت ابدی شدن اصغر و زهره نیز نمی‌گردد؛ این در حالی است که مشهور اصولیان در این مسئله با استناد به اصالة الفساد و همچنین استصحاب عدم حصول علقه زوجیت، به بطلان عقد دوم حکم می‌کنند و احکام خاص حرمت ابدی را میان اصغر و زهره جاری می‌کنند.

### نتیجه‌گیری

مشهور اصولیان برای موارد شك در جزئیت یا شرطیت چیزی در عبادات، اصل برائت را حاکم می‌دانند؛ اما در معاملات، بر خلاف عبادات، به تقدیم و حکومت اصل فساد، حکم کرده‌اند. در این پژوهش، نویسنده تلاش کرده است اثبات کند شارع مقدس به وسیله برائت، حکم شرعی را بر نمی‌دارد، بلکه موضوع را رفع می‌کند در واقع شارع مقدس منشأ شك را برمی‌دارد و برائت را در ناحیه موضوع، نه در ناحیه حکم جاری می‌کند. برای نمونه می‌توان به ازدواج با زنی که در عده است، اشاره کرد که مشهور اصولیان با تمسك به اصالة الفساد، عقد جدید را باطل می‌دانند اما در این نوشتار با توجه به رفع موضوع توسط شارع مقدس، به صحت عقد جدید حکم گردید؛ همچنانکه در صورتی که مکلف شك کند که فاطمه، خواهر رضاعی اوست یا نه؟ با توجه به «كل شيء لك حلال» باید بگوییم شارع فاطمه را از روی تشریح و ادعا، خواهر رضاعی شما حساب نمی‌کند؛ لذا دیگر منشأ شك در ایجاد علقه زوجیت از بین می‌رود و این اصل موضوعی بر استصحاب حکمی (عدم علقه زوجیت) - که مشهور اصولیان به آن تمسك کرده بودند - حکومت پیدا می‌کند و عقد را باید صحیح شمرد.

كتاب نامه

الف- كتب و مقالات

- قرآن كريم.
- احسائي، ابن أبي جمهور (١٤٠٣ ق)، عوالي اللثالي، جلد ١، تحقيق: مجتبي عراقى، قم: سيد الشهداء .
- آخوند خراسانى، محمد كاظم (١٤٠٦ ق)، كفاية الأصول، قم: آل البيت (ع) لإحياء التراث الإسلامى.
- آشتياني، محمد حسن بن جعفر (١٤٠٣ ق)، القواعد الفقهيه، جلد ٣ و ٤، قم: كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى.
- آشتياني، محمد حسن بن جعفر (١٤٢٥ ق)، الرسائل التسع، قم: زهير.
- آشتياني، محمد حسن بن جعفر (١٤٢٥ ق)، كتاب القضاء، جلد ١، قم: كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى.
- انصارى، مرتضى (١٤١٩ ق)، فرائد الأصول، جلد ٢، قم: مجمع الفكر الإسلامى.
- ايروانى، محمد باقر (١٤٢٤ ق)، الحلقة الثالثة فى اسلوبها الثانى، جلد ٣، بي جا: بي نا.
- بحراني، يوسف (١٤١٣ ق)، الحدائق الناضره فى أحكام العترة الطاهره، جلد ٩، بيروت: دار الاضواء .
- بهبهانى، محمد باقر بن محمد اكمل (١٤١٥ ق)، الاجتهاد و التقليد، قم: مجمع الفكر الإسلامى.
- جزائرى، سيد نعمت الله (١٤١٧ ق)، نورالبراهين، جلد ٢، قم: نشر اسلامى.
- جمعى از نويسندگان (١٣٨٨ ش)، فرهنگ نامه اصول فقه، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامى.

- جریان اصل برائت در احکام ارشادی ... / نریمانی زمان آبادی ۱۶۷
- حسینی بهسودی، محمدسرور (۱۴۱۱ ق)، مصباح الأصول، جلد ۲ و ۳، قم: داوری.
  - حسینی فیروزآبادی، سیدمرتضی (۱۴۰۰ ق)، عناية الأصول فی شرح كفاية الأصول، جلد ۴، قم: فیروزآبادی.
  - حکیم، سیدعبدالصاحب (۱۴۱۶ ق)، منتقى الأصول، جلد ۵، قم: الهادی.
  - خمینی، سیدمصطفی (۱۴۱۸ ق)، تحریرات فی الأصول، جلد ۳، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
  - خویی، سیدابو القاسم (۱۳۶۸)، اجود التقريرات، جلد ۱، قم: انتشارات کتابفروشی مصطفوی.
  - خویی، سیدابو القاسم (۱۴۱۷ ق)، قاعدة الفراغ و الصحة و الاجتهاد و التقليد، قم: داوری.
  - خویی، سیدابو القاسم (۱۴۱۸ ق)، التنقیح فی شرح العروة الوثقی، جلد ۱ و ۲، قم: دفتر معظم له.
  - رشتی نجفی گیلانی، میرزا حبیب الله (۱۴۰۱ ق)، کتاب القضاء، جلد ۱، قم: دار القرآن الکریم.
  - شبیری زنجانی، سیدموسی (۱۴۱۹ ق)، کتاب نکاح، جلد ۱۷، قم: مؤسسه پژوهشی رأی پرداز.
  - غروی نائینی، محمدحسین (۱۴۱۳ ق)، المكاسب و البيع، جلد ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
  - فیاض، محمداسحاق (۱۴۱۹ ق)، محاضرات فی أصول الفقه، جلد ۴، قم: نشر اسلامی.
  - کاظمی خراسانی، محمدعلی (۱۴۰۴ ق)، فوائد الأصول، جلد ۳، تعلیق: آغا ضیاء الدین عراقی، قم: نشر اسلامی.
  - مازندرانی، محمدصالح (۱۴۲۱ ق)، شرح أصول الکافی، جلد ۱۰، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
  - مامقانی، محمدحسن بن الملا عبدالله (۱۳۱۶ ق)، غاية الآمال فی شرح کتاب المكاسب، جلد ۲، قم: مجمع الذخائر الإسلامیه.
  - مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق)، بحار الأنوار، جلد ۵، بیروت: مؤسسه الوفاء.

۱۶۸ دوفصلنامه پرتو وحی / دوره ۷ / شماره ۱ و ۲ / پیاپی ۱۲ و ۱۳ / صص ۱۴۹ - ۱۶۸

- مدرسی، سیدحسین (۱۳۶۸)، مقدمه‌ای بر فقه شیعه، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- مشکینی، علی (۱۴۱۳ق)، اصطلاحات الأصول، قم: الهادی.
- مصطفوی، سیدمحمدکاظم (۱۴۱۷ق)، مائة قاعدة فقهية، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴ق)، کتاب النکاح، جلد ۱، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).
- منتظری، حسینعلی (۱۴۱۵ق)، نهاية الأصول، قم: قدس.
- موسوی خلخالی، سیدمحمد مهدی (۱۴۲۲ق)، حاکمیت در اسلام یا ولایت فقیه، ترجمه جعفر الهادی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- نجفی عراقی، عبدالنبی (۱۳۸۰ق)، المعالم الزلفی فی شرح العروة الوثقی، قم: علمیه.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۵۹ق)، تحریر المجلة، جلد ۲، نجف: المكتبة المرتضوية.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۶۵)، جواهر الکلام، تحقیق: شیخ عباس قوچانی، جلد ۲۳، تهران: دارالکتب الإسلامیه.

ب- وبسایت (های) اینترنتی

- Available at: <http://eshia.ir/feqh/archive/text/mazaheri/osool>.